



۱۷ نومبر ۲۰۱۶

غ. حضرت

ترامپ و ترمپ و ترپ و تروپ و تراپ

تا چندی پیش به نظر میرسید که فقط مردم کشور و منطقه ما در دره های ترسناک بنام (حوادث غیر مترقبه و غیر منتظره) سقوط نموده. حادثی که آغشته به انگور شرابی یا شراب انگوری بوده و ما را از تعقیب مسیر درست که همانا سرمنزل خیر و رفاه و آسایش و خوشبختی است، بدور نگهداشته. به طور غیر مترقبه یک روز از فرط روشنائی (نور تیزی که مستقیماً بر چشمان ما تابیده و دید ما را با مشکل مواجه ساخته) از تشخیص مسیر درست عاجز بوده ایم، یکرور از فرط تاریکی، سر و پوز ما به دیوال های گلی و سنگی خورده و خون آلود گشته، یک روز فریبکارانه در مسیر سوق داده شده ایم که آن مسیر خاک آلود و متعفن در شأن و منزلت ما نبوده، یکرور در مسیر قرار داده شده ایم که دشت و کوه و بیابان و درختان آن به نظر ما کاملاً نا آشنا جلوه نموده. خلاصه، به طور غیر منتظره، مسیر ما عوض شده یا بهتر گفته شود مسیر ما را عوض نموده. مثال:

بطور غیر منتظره در دامن نهضت امانی غلطیده ایم (البته خیر یا شر دانستن نهضت امانی مورد بحث نیست، بلکه مقصود، تخریف آن زمان و مکان و غیر منتظره واقع شدن آن ظرفیت منظور است). بطور غیر منتظره در سیاه چاله سقوی سقوط نمودیم یا سقوط داده شدیم. بطور غیر منتظره بخاطر عدم احساس درد ها چهل سال به خواب شیرین رفته بودیم. بطور غیر منتظره با نام نا آشنای جمهوریت و استعمار و امپریالیزم و انقلاب و فرزند صدیق و غورخنگ (همان کف فالوده) و مستشار نظامی شوروی و ده ها اسامی نو و جدید روبرو شدیم. بطور غیر منتظره با پدیده بنام انقلاب کبیر دهقانی و کارگری و مردمی و خلقی و بروتویی و فرمانی و پلیگونی و کلاشنکوفی و خلاصه دوکان عطاری مواجه شدیم. بطور غیر منتظره با داستان های افسانوی (واقعی) گشتن یک پهلوان! توسط پهلوان دیگر روبرو شدیم. بطور غیر منتظره شاهد تحقق! آرزو های دیرین تزار و کرملین شدیم، آرزو هائیکه با امواج طوفانی آبهای گرم با دیوال برلین اصابت نموده و متلاشی گردید. بطور غیر منتظره برای اولین دفعه درگیر شدن دو تا برادر که تا یکرور پیش بخاطر حفظ کرامت ملی یکدیگر، خون میداد، ناگهان از جان نحیف کابل و سایر جان ها خون گرفت. بطور غیر منتظره موجودات را حاکم بر سرنوشت خود دیدیم که اصلاً در مخلیه ما نه می گنجید، موجوداتی که ترکیب بود از بقایای شکست خورده ثور و تریبه شدگان پرورشگاه استعمار. بطور غیر منتظره شاهد حضور چهل و چهار اندیوال ستراتژیک! و بسیار وفادار! خویش در بغل خود بودیم و هستیم. بطور غیر منتظره و غیر مترقبه مفتخر به داشتن دموکراسی و مفتخر به داشتن چهره های جهانی (دومین شیک پوش و دومین متفکر! جهان) شدیم.

متأسفانه یا خوشبختانه قوه جاذبه این دره ها (حوادث غیر منتظره) به حدی قوی شده که کمر راست لیبرالیزم غربی را نیز با خطر خم شدن مواجه ساخته. آنچه که امروز در بستر دموکراسی مغرب زمین در حال وقوع است بیشتر به یک کابوس وحشتناک شبیه میباشد تا یک واقعیت.

اما راجع به ترامپم:

یک پسر یازده یا دوازده ساله اگر در جمع چند تا بزرگ خانواده خود حضور داشته باشد و صحبت های بزرگان خود که در مورد زمین و زمان و آسمان و ریسمان و ترامپ و ترمپ و دموکراسی و دمنگ کراسی و لیبرالیزم و لب رالیزم و چه و چه صحبت میکنند، با اینکه این پسرک از درک معانی بعضی جملات و لغات شاخدار و بالدار و باردار و لاتین و باتین و پاتین عاجز میباشد ولی با درک و تجزیه یکی دو جمله بزرگان خود، میتواند با مطرح ساختن آن (که به شکل یک سؤال در ذهنش ایجاد شده) بزرگان خویشرا بیشتر در عمق و سطح بحث خود فروبیرند و باعث بسط بحث شود.

حال من منحیت یک پسر بچه یازده ساله (که البته در واقع از دوازده هم گذشته ام) در مورد بحث هائیکه از بزرگان پیرامون خود یا رادیو یا روزنامه یا کتاب یا کنار سماوار یا کوچه و بازار یا مکتب یا هر مرجع دیگر شنیده یا خوانده ام که کشور امریکا (اضلاع متحده) یا مثلاً کشور های اروپای غربی دارای سالم ترین دموکراسی ها میباشد، البته بحث بنده فقط روی دموکراسی کشور امریکا است.

برای ما گفته شده که فرزند برومند دموکراسی همانا لیبرالیزم میباشد که البته فرزندان صالح دیگر نیز دارد.

برای ما گفته شده که یک نفر یک رأی. برای ما گفته شده که دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم یعنی اینکه یک شخص (منحیث رئیس یا پرزیدنت) حق هیچگونه تصمیم دیکتاتور مآبانه ندارد. برای ما گفته شده که در جوامع لبرالیستی، سیاست از مذهب مطلقاً جدا و در عین حال انتخاب مذهب و اجرای عقیده و مراسم مذهبی حق هر شهروند میباشد. برای ما گفته شده که در جوامع لبرالیستی، توهین و تحقیر و تبعیض در برابر سایر نژادها و اقوام و مذاهب و... جرم محسوب میگردد. برای ما گفته شده که در جوامع لبرالیستی حق آزادی بیان و عقیده برای هر شهروند محفوظ میباشد بشرطیکه ناقض حقوق مادی و معنوی سایر اتباع نگردد.

سؤال بنده:

آیا در کشور آمریکا نظر به اصالت دموکراسی ایکه آنها تعریف نموده راستی هم اصل " یک نفر یک رأی " تطبیق شده، اگر شده، باید خانم کلینتون منتخب میشد زیرا رأی مردمی وی بیشتر از رقیب خود میباشد ولی تله (رأی الکترا) دُمش را گرفت و نمیتواند بطرف قصر سفید بود. البته قوت این احتمال نیز ضعیف نیست که زیر نام اصلاح شمارش آراء، خانم کلینتون انتخاب شود. انتخاب ترمپ شاید از روی مصلحت و یا بخاطر سنجش میزان شدت طرفداران کلینتون مجاب شده باشد، امکان دارد برگ بازی برگردانده شود.

سؤال:

اگر راستی هم دموکراسی به معنی حکومت مردم بر مردم باشد (بگذریم از شگافتن این نقیصه که مثلاً نتیجه انتخابات چهل و نه – پنجاه و یک باشد، این یعنی تفاوت آراء یک فیصد، این یعنی فقط یک فیصد رأی توانسته بر سرنوشت نتیجه حاکم شود که این مغایر روحیه دموکراسی بنظر میرسد) پس بحث چگونگی شخصیت و عملکرد یک رئیس جمهور منتخب چرا روزها و هفته داغ میباشد و چرا افکار این رئیس مایه ترس و امید میباشد، زیرا در سیستم دموکراسی، چوکات قانون تعیین و هر امر بطور سیستماتیک اجراء میشود و رئیس فقط آنرا نظارت میکند. اگر یک رئیس خلاف توقع و خواسته شهروندان بشمول طرفداران و هم حزبی های خودش عمل کند، این یعنی خلاف دموکراسی.

سؤال:

آیا در کشور آمریکا راستی هم مذهب از سیاست جدا است؟ اشخاص روشنفکر و مردمی و با وجدان (مخصوصاً اروپا نشین) شاید بر این گفته بخندند که سکولاریزم در اروپای غربی یک جایگاه دارد در کشور آمریکا دیگر. مسلک و تفکر سکولاریستی در اروپا از اهمیت و اعتبار خاص برخوردار است ولی در کشور آمریکا یک چهره دیگر پنهانی دارد. این مسئله را فقط آنها درک میکنند که از صمیم قلب به یکی ازین سه دین ابراهیمی عقیده راسخ داشته باشند. فقط این سه تا میدانند که جهان فکری و عقیدتی بکدام سو در حرکت است و چه سرنوشت منتظر معتقدین به آن میباشد. این مسائل از درک سکولار و دانشمند و پروفیسور و دکتر و روانشناس و اقتصاددان و سیاست دان بلند میباشد. البته از درک عیسوی ایکه در اروپا و امریکای لاتین یکشنبه ها به کلیسا تشریف میبرد و مسلمانیکه بنام دین در لباس طالب و القاعده و داعش و سلفی و مردم میکشد نیز بدور میباشد.

سؤال:

چرا ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی اش علیه مسلمان ها موضع تند و نا بخردانه گرفت؟ هدف این کار چه بود؟ بعضی یا بسیاری مردم آمریکا و جهان ازین اظهارات احساس نگرانی نمود. بگذریم ازین حقیقت تلخ که اسلام مسلح و جنگجوی محصول اراده اینها بوده. دو تا احتمال وجود دارد مبنی بر عقیده ترامپ؛ یا اینکه در پیاده کردن پروژة فکری – عقیدتی خاصیکه سی چهل میلیون امریکائی در قالب و مؤلفه ضد اسلامی دارند، عجله بخرچ میدهد و یا اینکه با این اظهارات قهر آمیز خود میخواهد کشور های ثروتمند خلیج فارس را مفت و رایگان بدوشند. با این حال لاف زدن یک شخص گشنه پیش از ورود به رستوران یک حالت دارد و بعد از سیر شدن، حالت دیگر. یک کسی بدور از حلقه قدرت در مورد یک مسئله نظر افراطی دارد ولی وقتیکه در دایرة قدرت و تصمیم گیری

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

قرار بگیرد، با مشاهده شرایط پیرامونی خود، لاف زدن ها و یاوه گوئی های خود را در جیب بغل خود گذاشته و مطابق شرایط ممکنه قدم برمیدارد.

بهر حال امیدواریم که انتخاب احتمالی یا حتمی ترامپ، پمپ منفی گرایانه و منفی بافانه دولت آتی امریکا فعال نگردد. داشتن پول و ثروت و سلاح و دانش و تکنولوژی به تنهایی نمیتواند که مانع عرض اندام سایر قدرت های منطقه ای و جهانی گردد و نه هم داشتن زور و قدرت باعث حق دانستن عقیده و فکر شده میتواند. همچنین امیدواریم این حالت غیر منتظره منجر به خلق تراژیدی های غیر منتظره نگردد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ